نسرین کتونا

جنگ جلال آباد

(و آموزش های آن برای خروج مصئون قوتهای بین المللی بعد از سال 2014 از افغانستان)

نویسنده:

داکتر نسرین کتونا(**)

بخش دوم

موقعیت قطعات در اراضی محاربه در جلال آباد

قرارگاه قولی اردوی نمبر 1 در قریهٔ ثمرخیل، و قطعات آن در استقامت شرق شهر پل سراچه، خوش گنبد و سرمه خانه جابجا گردیده بود، قطعات اوپراتیفی در میدان هوائی داخل موضع دفاعی بودند، جزوتام های فرقه 9 از ساحه غرب شهر به سمت درونته و ساحه پوهنتون ننگرهار در مواضع خود به احضارات دفاعی پرداخته بودند. قوتهای خارندوی (پولیس) در منطقهٔ سرخرود، و قطعات امنیت دولتی، بین سرخرود و کانکترغی، احراز موقعیت نموده بودند، ساحهٔ مسئولیت فرقه 11 از کانکترغی تا شمال کامه وسعت داشت، قطعات گارد جمهوری در منطقه سرخ دیوار، جابجا گردیده بود. دیپو های سلاح و مهمات در داخل شهر، تحت محافظت قرار داده شده بود . پولیس و سپاهیان وطن حفاظت و مدافعهٔ شهروندان و تاسیسات شهر را در دست گرفته بودند.

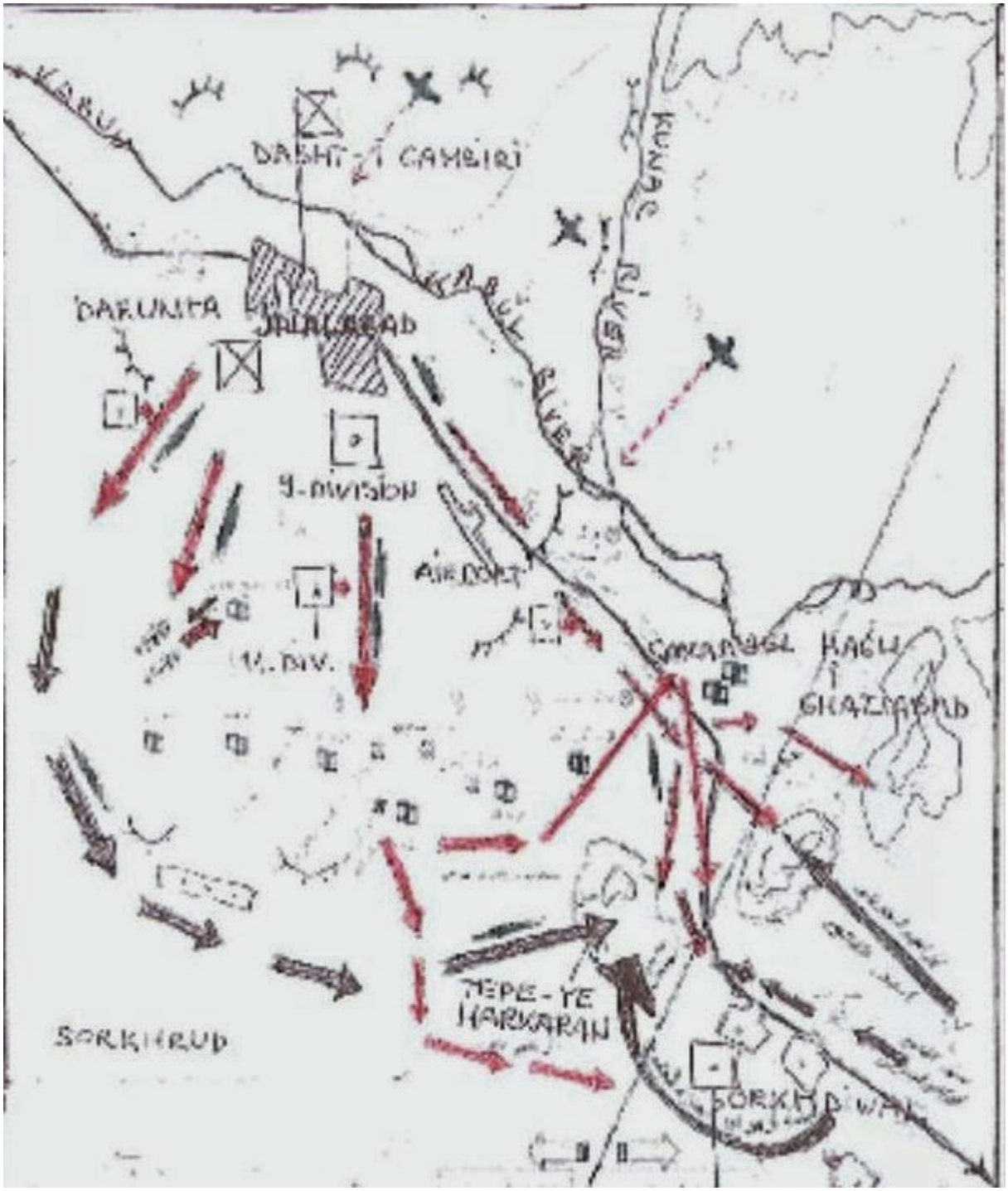

موقعیت قطعات و جزوتامهای تدافعی در حملهٔ اول

/ 2ب حمله اول

محاصرهٔ شهر تاریخ پنج مارچ آغاز شد و بیش از چهار ماه تداوم حاصل کرد . حمله بوسیله جنرال حمید گل رئیس پرقدرت " آی اس آی " برنامه ریزی شده بود که بوسیلهٔ سران تنظیم های جهادگر

بویژه اعضای حکومت عبوری عمدتاً گلب الدین حکمتیار، رسول سیاف، برهان الدین ربانی، مولوی خالص تطبیق میگردید.

قوتهای مهاجم حدود 15 هزار نفر تخمین زده میشد. در تهاجم که تاریخ پنجم مارچ براه انداخته شد، پیشاپیش آن جهادگران سازمان بدنام القاعده به رهبری ابن لادن، قطعات منظم پاکستان و واحد های نظامی از صوبه سرحد، افسران و مشاورین " آی اس آی " افراد مسلح تنظیم های جهادی هفت گانه مقیم پشاور، سهم فعال گرفته بودند.

احمد شاه مسعود فرمانده جهادی چریک های درۀ پنجشیر، علی الرغم آنکه از نمایندۀ سیا ، جهت مسدود کردن شاهراه سالنگ ، که شاهرک اکمالاتی رژیم کابل محسوب می شد، مبلغ پنجصد هزار دالر اخذ نموده بود، اما نتوانست علی الرغم چند حمله شاهراه کابل، شمال را که از سوی حکومت داکتر نجیب الله بشدت محافظت می شد قطع نماید، مسعود اصلاً تمایل چندانی به پیروزی مجاهدین در جلال آباد ابراز نمیکرد، زیرا در فردای پیروزی ، قدرت در جلال آباد در دستان نیرومند حریفش حزب اسلامی متمرکز میگردید از یکسو به او سهمی دلخواهش میسر نمیگردید، و از جانب دیگر، دوست دیرینش، اتحاد شوروی را که بحکومت کابل مواد لوژستیکی کمک میکرد، ازرده خاطر میکرد.

بتاریخ 5 مارچ تعرض از شرق به امتداد دریای کابل بالای شاهراه یک جبهه وسیع گشوده شد. مهاجمین به حمایت آتشهای طوپچی اردوی پاکستان بحرکت آمدند، سمت اصلی تعرض از تورخم به استقامت فارم غازی آباد اغاز شده بود و مجاهدین سه نقطه حاکم را در کوه سپین غر که بنام ارتفاعات قبله یاد میشد ، در عین زمان میدان هوایی در جنوب نیز مورد حمله قرار گرفته و با حمله از شمال به استقامت دریا و دشت گمبیری کوردینه شده بود.

اجیران عربی بن لادن هم به پیشروی آغاز نموده بودند . آنها مصمم ترین و وحشی ترین گروهها بودند که تا آخرین قطرۀ خون می جنگیدند. اسامه بن لادن قهار ترین چهرۀ جهادی (تروریستی) آنها را رهبری میکرد.

مجاهدین افغان و قطعات اردو از صوبه سرحد عساکر قوای سرحدی پاکستان تحت رهبری جنرال حمیدگل رئیس " آی اس آی " تحت حمایت آتش های نیرومند طوپچی به تعقیب آنها حرکت مینمودند. مجاهدین را رحیم وردک مسئول نظامی معاذ ملی پیر سید احمد گیلانی که فاقد دانش ها و تجربه و مهارت سوق ارادۀ قوت ها در عملیات های محاربوی بود رهبری میکرد .

) او بعداً در حکومت کرزی بحیث وزیر دفاع کارمیکرد که در 5 آکتوبر 2013 خود را بحیث کاندید رئیس جمهور اعلان نمود و به تاریخ 16 مارچ 2014 از کاندیا انصراف کرد) قوماندان دیگر نیروهای مجاهدین نصیر خان نام داشت . که تهاجم را رهبری میکرد .

طبق معلومات ادارۀ امنیت دولتی رژیم کابل به تعداد یازده هزار مجاهدین، 2500 پاکستانی و 1300 نفر عرب در حملۀ مذکور سهم گرفته بودند آنها به طور تشدیدی تحت حمایت آتش های ثقیل قطعات منظم اردوی پاکستان قرار داشتند و بعداً با تصرف یک دستگاه پرتاب BM-21 موجب تخریبات بزرگی شدند صدها راکت در هر ثانیه بالای میدان هوایی و شهر پرتاب می نمودند.

هدف نخستین از استقامت شرق اشغال پایگاه سرخ دیوار بود. محل مذکور هنگامیکه فرقه 11 مورد حمله قرار گرفت به تصرف آنها درامد. مهاجمین بارک ها و سربازان دولتی را که تسلیم شده بودند و قرارگاه و قطعه مربوط را کاملاً غارت نمودند، سرخ دیوار برای تقریباً یک هفته به دست مهاجمین بود، جنرال گل حبیب معاون قومندان فرقه 11 به قرار گاه مرکزی در شهر عقب نشینی کرد.
مهاجمین 4 عراده تانک T-52 و T-55 و یک دستگاه راکت انداز BM-21 بدست آوردند، دو عراده تانک به آنطرف خط دیورند انتقال یافت و 2 عراده دیگر آن بعد از سه روز در جریان تعرض متقابل نیرو های دولتی تخریب گردید. جنرال بارکزی، قوماندان قول اردو شخصاً با شهامت کم نظیری برای کمک به قرارگاه اشغال شده به سرخ دیوار شتافت، لاکن در منطقه پل سراچه به وسیله آتش دشمن جانش را از دست داد. جنرال عمری قوماندان نیرو های پولیس هم دلاورانه از پا در آمد. دشمن جانش را از دست داد. جنرال عمری قوماندان نیرو های پولیس هم دلاورانه از پا در آمد.

یکی از تانک های که تنظیمهای جهادگر در جریان تعرض به غنیمت گرفته بودند
در روز دوم حمله، مهاجمین قریه ثمرخیل که در حاشیهٔ میدان هوایی موقعیت داشت و بعد از تقرب مهاجمین ، نیرو های دولتی آنجا را تخلیه نموده بودند، به اشغال در آوردند. سربازان دولتی که تسلیم شده بود بوسیله جهادگرایان (تروریستان) افغانی متعلق به تنظیم های هفت گانه پشاور بطور وحشیانه شکنجه و بقتل رسانیده شدند. انها در خط دفاعی به اشتباه نیرو های پولیس را ضعیف ترین حلقه میدانستند ، بنابران تصمیم گرفته بودند تا توجه شانرا به نیرو های (اردو) معطوف نموده با دور زدن از استقامت جنوب از کنار قوای پولیس (څارندوی) عبور نموده بسمت درونته خود را برسانند. آنها پلان داشتند که حلقهٔ محاصرهٔ شانرا بین درونته و دشت گمبیری در شمال غرب وصل کنند.

نیرو های پاکستانی قرارگاه شانرا در فارم غازی آباد تاسیس نمودند. (مجاهدین درباغ مملە جمع شدند) . ارتفاعات ثمرخیل پایگاه اجیران عرب مربوط بن لادن و امتداد آن تا منطقهٔ تورخم و آنسوی مرز بود.

در روز سوم آصف دلاور قوماندان جبهه نیرو هایش را از جمله فرقه 9 کنر را جمع نمود. ملیشای ازبیک تحت رهبری رسول قهرمان دو نقطه ی مرتفع را در « قبله » دوباره بدست آوردند
تصرف مجدد سرخ دیوار توسط گارد جمهوری به اصطلاح سهم شیر بود. نقاط جنوبی شهر تا هنوز در دست شورشیان باقیمانده بود .

یا داشت نویسنده : بخش اول مقاله « جنگ جلال اباد » بمثابه یکی از کم نظیر ترین حادثه تاریخی افغانستان دوست داشتنی که منتشر گردید طیف گسترده ی واکنش ها ی خوانندگان را بر انگیخت ، شمار زیادی طی پیام ها تلفون ها و کومنت های فیسبوکی شان از محتوای مقاله ستایش بعمل اورده تهنیت گفتند ، همزمان تنی چند شاید هم ،هواخواهان القاعده و ،سلفی ها طی کومنت های فیسبوکی شان ، بجای ، نگاشتن نقد ها ، نظر ها ، نگاها و پیشنهادات ، با رکاکت ، واهانت و مغایر سجایای انسانی به حریم شخصی من ، که در واقع مغایر قوانین بین المللی و

قوانین اتحادیه اروپاست تاخته اند ، عجالتا با رعایت فرهنگ انسانی و احترامیکه به مردم کشور محبوب افغانستان دارم از معرفی انها صرف نظر نموده ، اما حق دا د خواهی و استیناف طلبی را علیه انها برای خود محفوظ نگهمیدارم . با حرمت گسترده « ۲۳ ماه جون ۲۰۱۴ بوداپست .

ختم بخش دوم .

بخش سوم

C 2 : :تعرض متقابل:

افسران متعهد قول اردوی 1 افغان حاضر نبودند به هیچ قیمت شهر را تسلیم بدهند. آنها قطعات و جروتام های باقیمانده شانرا جمع نموده برای پیشروی یک تعرض متقابل را سازمان داده و مهاجمین را در چمبر یک حلقه درآوردند.

بتاریخ 8 مارچ با براه افتیدن تعرض متقابل مهاجمین مجبور شدند تا میدان هوایی را از دست بدهند. نیرو های دولتی دارای یک آتش قوی مانند لونا، BM 21, BM-14 بودند . راکت های لونا که نزدیک هده بویسله پرسونل افغان جابجا شده بود، (و دوباره به سمت غرب در منطقه سروبی عقب کشیده شده بود،) و مدافعین جلال آباد را از آنجا در برابر مهاجمین جهادگرایان دفاع مینمودند.

همچنان مدافعین طوپچی نیرو مندی را در اختیار داشتند که با آتش لونا هماهنگ شده و به مهاجمین تلفات سنگینی را وارد آوردند.

سه کندک اسکاد Scud در نزدیک کابل جابجا شده بود. تمام کندک ها ذخیره های لازم خود را بدست داشتند هر سه قطعه با واحد های میترولوژی، تانکر های روغنیات و وسایط قومانده مجهز بودند. تمام آنها در منطقهٔ دارالامان در جنوب کابل جابجا شده بودند.

علی الرغم اتهامات رسانه های غرب که راکت های اسکاد بوسیله شوروی ها استعمال می شد تمام آنها توسط افغان ها مورد استفاده قرار میگرفت.

حکومت افغانستان دستگاه های مذکور را در آستانهٔ خروج نیرو های شوروی در نوامبر 1988 بدست آورده بود از راکت های سکاد در دفاع از جلال آباد استفاده گسترده صورت گرفته بود و مجاهدین نتوانستند از تخریبات مرگبار آن خود را در امان نگهدارند و مورال جنگی شانرا از دست داده بودند. ماشیندار های اورلیکن (Oerliken) ساخت سویس کدام تاثیری به نفع مجاهدین وارد کرده نتوانست.

نیرو های دولتی از حمایت قوی قوای هوایی بهره مند بودند. قوای هوائی افغانستان بر مواضع شوشیان توسط جنگنده های میگ 21، و سو su-7 و سو ، su- 22 حمله می نمودند ، هلی

کوپترهای MI 17 , MI-8 ، MI- 34 که از میدان های هوایی بگرام و خواجه رواش کابل پرواز مینمودند. طیارات ترانسپورتی AN-12 طوری عیار گردیده بود تا بمب ها را در مراکز تجمع جهاد گران پرتاپ نمایند و تلفات وضایعات سنگینی را بر آنها تحمیل نمایند. مهاجمین بم های کلاستری را وسیعاً بکار میبردند. طیارات دولتی در ارتفاع بلند دور از تیررس راکت های استیگر مجاهدین پرواز مینمودند.

حلقهٔ محاصرهٔ مجاهدین در سرخرود شکستانده شد و به عقب نشینی پرداختند، تانک های را که مجاهدین در 4 مارچ از قوای دولتی بدست آورده بودند به سمت تپه خرکاران(Kharkaran) فرار نموده و در اواخر جولای از منطقه کاملاً رانده شدند. طوریکه در بالا اشاره شد دو تانک را مجاهدین به آنطرف خط دیورند انتقال داده بودند. و دو دیگر آن توسط نیرو های دولتی تخریب گردید.

بتاریخ 11مارچ اجیران عربی بن لادن و قطعات منظم اردوی پاکستان در منطقهٔ غازی آباد تجمع نمودند لاکن مجاهدین بی روحیه و مایوس با آنها نپیوستند. نیرو های دولتی افغان توانستند آنها را قبل از براه اندازی یک تعرض جدید پراگنده و متفرق نمایند.

/2/d دفاع شاهرا:

جنگ ها عمدتاً بالای دفاع استراتیژیک از شاهراه ها تمرکز یافته بود. نیرو های مسعود و جنگجویان شورای نظار شاهراه سالنگ را که شمال را به جنوب کشور وصل میکرد علی الرغم راه اندازی حملات متعدد نتوانسته بودند مسدود نمایند، شوروی ها مسعود را نمی گذاشتند تا در محاصره جلال آباد در انجام کدام حمله سهم بگیرد. مسعود در اوایل سال 1980 توافقاتی را با شوروی انجام داده بود و از همین رو عنان مسعود و گروهش در دست اداره امنیتی شوروی قرار داشت.

استینینسن (Stenensen) نوشته است که مسعود خطوط اکمالاتی دولتی را در مناطق تحت نفوذ خود بخاطر رفع محاصرهٔ جلال آباد نسبت سرازیر شدن بیشترین کمک ها بوسیله ISI پاکستان به گلبدالدین حکمتیار انتقال میافت، باز گذاشته بود، « جنرال سید قدوس سید ، در کتاب جنگ های کابل » نوشته است که پیروزی مجاهدین در جلال آباد در حقیقت پیروزی حزب اسلامی حکمتیار رقیب مسعود را به نمایش میگذاشت، شماری از محققین، بنابر آنکه مسعود نتوانست شاهراه سالنگ را مسدود نماید این عمل او را خیانت به جهاد تلقی میکردند ، تمام منابع موافقند که اگر شاهراه مسدود می بود دفاع جلال آباد خیلی دشوار می بود، برداشت یا ارزیابی نیرو های دولتی درست بود:

در صورتیکه شاهراه باز باشد، مجاهدین به اهداف شان یعنی اشغال جلال آباد نایل شده نخواهند توانست، مجاهدین ماین های در شاهراه کابل جلال آباد گذاشته و میتوانستند خساراتی را وارد نماید

ولی نمی توانستند یک تعرض هماهنگ را برای تصرف آن براه اندازند. در 25 مارچ یک قطار اکمالاتی 100 عراده ای به شهر جلال آباد مواصلت نمود و به تعقیب آن قطار های دیگر که بزرگترین آن در 14 اپریل یک قطار 270 واسطه که حامل مواد لوژستیکی سلاح، مهمات بود شاهراه را عبور نمود. عبور قطار های مذکور صرفاً اهمیت لوژستیکی نداشت بلکه مورال جنگی مدافعین جلال آباد را قویاً ارتقا میداد، اگر مهاجمین موفق به تصرف شاهراه میشدند، دفاع جلال آباد امکان پذیر نمیبود. " آی اس آی " ازین واقعیت آگاه بود و مهاجمین را کمک مینمود تا پلهای را در مسیر شاهراه منفجر نمایند ولی شاهراه بوسیله زنجیری از پوسته های امنیتی و مدافعین با انگیزه های که جهاد را (تروریسم) و خطر جهانی تلقی مینمودند کنترول و دفاع می شد که امکان تصرف آن در جنگ میسر نبود و دو فرقه و قطعات مختلف برای دفاع شاهراه می جنگیدند.

محاصره منجمد شده یا جبهه بی حرکت:

مدت بعد مجاهدین یک تعرض جدید را از شمال و جنوب شهر جلال آباد براه انداختند، ولی به مقاومت شدید نیرو های دولتی که از حمایت قوی آتش ها طوپچی و هوایی بهره مند بودند مواجه گردیدند. در جنگ برای کنترول میدان هوایی جلال آباد مهاجمین در چندین حمله ی شان بخاطر نداشتن تکتیک و تشریک مساعی ناکام ماندند. هجوم شان بی نتیجه ماند زیرا شورشیان نسبت عدم تطابق تاکتیک های شان با ایجابات یک جنگ متعارف ناتوان بودند. نبرد شان تبدیل به جنگ غیر فعال و محاصره منجمد گردیده بود.

مدافعین جلال آباد تهاجم مجاهدین را با استفاده از خندق ها، بلنداژها، و موانع انجینیری متوقف ساختند. نیروهای دولتی پس از ماه اپریل ابتکار عمل (انسیاتیف) را بدست گرفتند.

سرانجام نیرو های دولتی مهاجمین را مجبور به عقب نشینی نمودند. آنها مهمات و ذخایر احتیاط خود را در ماه می از دست دادند و تلفات سنگینی را در هجوم های شان بر ضد مواضع مستحکم دفاعی نیروهای دولتی متحمل شدند. راکت های استینگر آنها در شروع هجوم شان پایان یافت. آنها که راکت های استینگر را در 1986 از امریکا به دست آورده بودند بخاطر ترس از افتیدند آنها به گروپ های ایرانی در سال 1988 توزیع آن متوقف گردید ولی ارسال سایر تسلیحات بطور لاینقطع ادامه داشت .

در استقامت پوهنتون ننگرهار در درونته ساحۀ مذکور با موانع و استحکامات نیرو های دولتی مواضع شانرا به شکل مطلوب در برابر مجاهدین دفاع مینمودند. در اخیر ماه می میدان هوایی با ظرفیت کامل به دست نیرو های دولتی قرار گرفته بود و اکمالات لوژستیکی توسط هلیکوپتر ها برای شهریان جلال آباد از انجا تامین میگردید ، در ماه می مهاجمین از اطراف و نواحی شهر کاملاً عقب زده شدند، در آغاز ماه جولای تمام پوسته های امنیتی در کمربند خارجی دفاع شهر بوسیله نیرو های دولتی مجدداً به تصرف درامد در جریان تعرض متقابل که در 8 مارچ براه افتید در دهم مارچ نیرو های دولتی سرخ دیوار را دوباره متصرف شدند در 7 جولای اجیران عرب بن لادن و قطعات سرحدی پاکستان یک تعرض جدید را در حالیکه گروه های پراگندۀ مجاهدین افغان با انها ملحق شده بودند براه انداختند آنها توانستند به استقامت سرخرود در جنوب پیشروی کنند از شمال به استقامت دشت گمبیری بالای قطعات سرحدی حمله نمودند آنها قصد داشتند که در چهار استقامت نیرو های دفاعی شهر را مصروف نمایند ولی در هیچ استقامت قادر به شکستاندن خط دفاعی نشدند و در

نتیجهٔ مقاومت شدید مدافعین به شکست روبرو شدند، جزو تام های کشف نیرو های دولتی ، تجمع جنگ جویان عرب و قوتهای سرحدی پاکستان را در ساحهٔ جنوب سرخ دیوار، فارم غازی آباد ، عقب کوه ثمر خیل و ارتفاع " کیهان " که تا آنوقت در دست مهاجمین بود، کشف نمودند ، منطقهٔ مذکور در نتیجهٔ یک بمبارد شبانه قبل از اینکه دست به حمله بزنند تحت ضربه قرار گرفت و پراگنده شدند، با وجود که آنها تلاش کردند تا حملهٔ نیرو های دولتی را به حمایت توپچی پاکستان دفع نمایند ولی موفق نشدند تا اینکه در اخیر جولای نیرو های دولتی مهاجمین را بطور کامل عقب زدند و تورخم به قبرستان جنگجویان عرب های القاعده تبدیل گردید.

نیرو های دولتی سرخ دیوار را به تاریخ 10 مارچ دوباره متصرف شدند بقول مارشال الک مهاجمین ده هزار جهاد گر گشته در حدود 3000 نفر زخمی دادند ، لاکن تلفات غیر نظامیان قرار اظهار « کاتمن روی » بیشتر بود که بطور تخمینی از دوازده تا پانزده هزار نفر را احتوا میکرد . در سطح یک جنگ متصارف نیرو های دولتی در حدود 3هزار کشته داده بودند .

ترکیب مدافعین جلال آباد:

از البوم مولف این فوتو به وسیلهٔ مولف در جلال آباد در می 1989 در شهر در یکی از قرار گاه ها گرفته شده است در آن یک گروپ از قطعات خاص خاد دیده میشود گروه با ریش ها و موهای دراز (که در آنزمان در بین پرسونل قوای مسلح افغان اجازه نبود) نیز قرار دارند که مربوط واحد های مخصوص اوپراتیفی امنیت دولتی بودند.

دپلوماسی جنگ جلال آباد:

در اسلام آباد، ایالت متحدهٔ امریکا و مقامات پاکستانی پلانی را طرح کردند که تنظیم های مختلف مجاهدین حکومت انتقالی افغانستان را تشکیل میدادند. حکومت انتقالی (AIG) باید در یکی از شهر های که مجاهدین قادر به تصرف آن میشدند تاسیس میافت. واشنگتن حکومت انتقالی افغانستان را به حیث حکومت مشروع افغانستان به رسمیت میشناخت و به تمویل و تسلیح آن اقدام مینمود. " سی آی ای " و " آی اس آی " ، جلال آباد را بخاطر موقعیت استراتیژیک آن بعنوان پایتخت حکومت جدید انتقالی افغانستان که به پایگاه مجاهدین در پشاور، نزدیک بود انتخاب نموده بودند.

حکومت انتقالی افغان نخستین جلسهٔ کابینه خود را در کمپ تربیوی گوریلای شنای (shenai) بتاریخ 10 مارچ چند کیلومتر داخل قلمرو افغانستان، قبل از دعوت ژورنالستان، دایر نمود. درین جلسه از جملهٔ 14 وزیر 10 وزیر آن اشتراک ورزیده بودند. رئیس حکومت موقت صبغت الله مجددی به خبرنگاران گفت که: (جلسهٔ بعدی در یک نقطهٔ دیگر افغانستان دایر خواهد شد. ما بسوی افغانستان پیشروی میکنیم.(

در جریان درگیری جنگ در جلال آباد رئیس جمهوری نجیب الله پیامی را به میخائیل گورباچوف و جورج بوش رئیس جمهور امریکا ارسال نمود و در آن ابتکارات مشترک شوروی امریکا برای جلوگیری از تشدید تصادم را خواستار شد.

رئیس جمهور نجیب الله در یک یادداشت جداگانه ملل متحد را برای اعزام گروه مخصوص ناظرین در نقاط مختلف در امتداد سرحد با پاکستان، فراخواند و در پیام دیگر عنوانی پریزدوکویار سرمنشی ملل متحد، متذکر شده بود که هدف اساسی حمله شورشیان در جلال آباد ایجاد یک مرکز برای به اصطلاح حکومت موقت شان میباشد. سی بال طیاره در بهاول پور پاکستان جمع شده بود تا اعضای حکومت عبوری و اکمالات را بداخل افغانستان انتقال بدهند. ملیشه های پاکستانی و مشاورین نظامی نقش مستقیم در جنگ بازی مینمودند. هلی کوپتر های نظامی پاکستانی در غازی آباد شمال شهر جلال اباد، مهمات و راکت ها و مشاورین را پیاده نموده بودند.

3-درس های محاصره:

از نظر تاکتیکی کمبود تشریک مساعی و شیوه های کار متفاوت بین نیرو ها و سازمان های اشتراک کننده در جریان حمله از یکطرف و از سوی دیگر عدم بکاربرد و بیگانگی با تاکتیک های یک جنگ متعارف عملاً به مشاهده میرسید.

قوتهای بنام جهادی به گروه های مختلف تقسیم شده بودند و برای یک مساعی مشترک در فعالیت های شان آمادگی و گنجایش نداشتند. افسران " آی اس آی " هم نتوانسته بودند آنها را بطور موثر متشکل بسازند. در اواسط ماه می هیچ پیشرفتی علیه مواضع دفاعی دولت در جلال آباد نداشتند و با کمبود مهمات روبرو بودند. گروه های مختلف مجاهدین جنگ علیه یکدیگر را شروع نمودند.

جنگجویان محاذ ملی گیلانی چندین باز با افراد حزب اسلامی حکمتیار تصادم نموده بودند.

تمام هفت تنظیم مجاهدین پشاور، عربهای ابن لادن، حد اقل هشت گروپ از قوای سرحدی پاکستان در حمله بر جلال آباد حصه گرفته بودند ولی فاقد یک مرکز قومانده ی واحد بودند و در میان فرماندهان قطعات مختلف شان هم یک هماهنگی وجود نداشت، جنگجویان یک گروپ از اوامر قوماندان گروپ دیگر اطاعت نمیکرد. خلاصه تاکتیک ها و استراتیژی های شان در هیچ مرحله هماهنگی نداشت. بین قوماندان ها و رهبران سیاسی در پشاور دوام دار برخورد ها و اصطکاک ها صورت میگرفت.

بر اساس نوشته های دگروال یوسف، آمر عمومی آی اس آی، تمام غلطی ها و اشتباهات در پلان گذاری و تطبیق پلان در اکادمی های نظامی طرح گردیده بود انها چنین فکر کرده بودند که هیچ جنگ بی نتیجه بوده نمیتواند.

یک غلطی یا یک نقص بزرگ درین بود که آی اس آی و رهبران تنظیم ها در پشاور فکر میکردند که میتوانند از یک جنگ گوریلای بیک جنگ تعارفی در تمام مقیاس آن عبور نمایند و در برابر قطعات کاملاً مسلح ، مجرب و میهن دوست که دارای یک سوق و اداره ی نیرومند و پوتانسیل قوی اتش های ثقیل زمینی و قوای هوایی بودند، یک تعرض وسیع را بویسله افراد ملیشایی انجام دهند. قوتهای گوریلایی هرگز نمیتوانند به یکبارگی در نقش یک اردوی متعارف ظاهر شوند.

انتخاب موقعیت متعرض هم موفقیت آمیز نبود، اشغال باالقوۀ بخشی از جلال آباد نه موجب سقوط رژیم در کابل می شد و نه آنرا درمانده می ساخت.

تعرض از نظر لوژستیکی هم درست تنظیم نشده بود. تعرض بدون تامین ریزرف ها یا (احتیاط) براه انداخته شد. بعد از انفجار کمپ اجری در پاکستان نزدیک راولپندی در بهار 1988، ذخایر جدید بزودی اکمال نگردید و محموله های که باید از امریکا می رسید از لحاظ زمانی ناوقت رسید و بهمین قسم موقعیت مکانی آن نیز صحیح به سنجش گرفته نشده بود. مهاجمین نتوانستند خطوط اکمالاتی مدافعین جلال اباد را قطع نمایند. آنها با راکت های استینگر مجهز بودند ولی نتوانستند در منطقه خواجه رواش و یا بگرام نزدیک پایتخت طیارات اکمالاتی را هدف بگیرند. مجاهدین در سال 1986 به تعداد 900 تا 1000 استینگر را بدست آورده بودند اما بعد از آن بخاطر ترس از بدست افتیدن آن بدست گروه های طرفداران ایران از جانب پنتاگون متوقف گردید و مهمات استینگر های داده شد به اتمام رسید.

با در نظر داشت درسهای استراتیژیک، جنگ جلال آباد که یک نقش قاطع در تاریخ افغانستان داشت. اردوی افغانستان مسلکی بودن و تعهد خود را برای نبرد در برابر جهادگران بدون کمک شوروی مؤفقانه به اثبات رسانید ، این پیروزی اعتماد به نفس مردم، حکومت و قوای مسلح را تقویت بخشید. مجاهدین از لحاظ نظامی به شدت ضعیف شدند و اعتبار خود را از دست دادند. چندین قوماندان حکمتیار و سیاف به نتیجه رسیدند تا با دولت متارکه نمایند. ناکامی و شکست در جلال آباد پر ستیز و اعتبار پاکستان را نیز پایان آورد. تورن جنرال حمیدگل که به این تصور بود که فتح جلال آباد مانند بریدن یک کیک است بلافاصله توسط صدر اعظم پاکستان برکنار گردید و با جنرال شمس الرحمن کالو بحیث رئیس جدید آی اس آی تعویض گردید. جنرال کالو سیاست های کلاسیک را برای حمایت از جهادگرایان تعقیب میکرد. جنرال ضیاءالحق او را هم قبل ازینکه طیاره اش در آگست 1988 سقوط نماید، از سمتش برکنار کرد. زیرا ضیا تشخیص داده بود که کالو هم در دست امریکایی هاست به تندروان اسلامی خوشبینی ندارد

برغم انتظارات غرب و پاکستان، جنگ جلال آباد ثابت ساخت که حکومت افغانستان و قوتهای مسلح آن موفقانه بدون حمایت خارج از عهده آن بدر آمدند. پیروزی جلال اباد مورال و اعتماد بنفس نیرو های دولتی را ارتقا داد. با بررسی نتایج فاجعه بار محاصرۀ جلال اباد قوماندان های مجاهدینی که در حملۀ مذکور سهم نگرفته بودند از جمله احمد شاه مسعود و عبدالحق نتیجه گیری نمودند که مجاهدین توانایی تصرف شهر ها را ندارند. هم چنان آنها به بی نتیجه بودن و تبدیل جنگ چریکی بیک جنگ تعارفی را اشتباه تلقی نموده بودند. در عوض آنها ازین نظریه حمایت میکردند که جنگ چریکی به تدرج رژیم را ضعیف خواهند ساخت و سقوط آنرا از طریق اختلاف داخلی موجب خواهد شد .

مسعود فقدان یک مرکز قوماندۀ واحد را انتقاد مینمود که در نتیجه آن مجاهدین نتوانستند یک تعرض کوردینه شده و هماهنگ را براه بیندازند. در مقابل دولت توانست قوتهایش را در برابر گروه های پراگندۀ مجاهدین بطور متمرکز مورد استفاده قرار دهد .

هردوی آنها سیاست های نادرست اسلام آباد را انتقاد مینمودند. هردو بهانه می آورند که عوامل اصلی شکست مجاهدین این بود که پلان تعرض آنها در قرارگاه راولپندی بدون مشوره با مجاهدین افغان در چارچوب یک جنگ تعارفی جبهه یی ترتیب گردیده بود.

مسعود با نتیجه گیری از جنگ جلال آباد به نفع خود ساده لوحانه گفته بود (افغان ها هرگز جنگ را نمی باختند اگر قومانده پاکستانی ها را قبول نمیکردند)

پاکستانی ها هم در حصۀ خود نتیجه گیری های را انجام دادند:

)جهاد در جلال آباد به سر نرسید.) این مطلب را دگروال یوسف مسئول امور مجاهدین در آی اس آی (1983 1987) در کتاب خود که در سال 1992 به نشر رسید اعتراف نموده است . سایر رهبران مجاهدین ارزیابی های مشابهی را انجام داده اند.

)شکست در جلال آباد اعتبار یک دهه جهاد را برباد داد.) اعترافی است از اسمعیل خان قوماندان جمعیت اسلامی در هرات .

سر انجام، استراتیژی گروه های جهادگرا برای براندازی رژیم در کابل بوسیلۀ یک کودتای داخلی رژیم تمرکز پیدا کرد. در 4 مارچ 1990، وزیر دفاع شهنواز تنی به کمک و ارتباط با افراد دو تنظیم مجاهدین، حزب اسلامی و جمعیت اسلامی و حلقۀ ناراضی حزب دموکراتیک خلق دست بیک کودتای ناکام زد. سران جهادی به این نظر بودند که بدست گرفتن قدرت در افغانستان از طریق کودتا بسیار زیاد آسان تر است تا استعمال قوای نظامی.

با وجود شکست تحقیر آمیز در جلال آباد بعضی قوماندان های مجاهدین مانند جلال الدین حقانی باز هم به پیروزی نظامی معتقد بود و پیشنهادات مصالحۀ ملی رئیس جمهور نجیب الله را نپذیرفتند.

جنگ جلال آباد مسیر چیزی را که جهاد خوانده میشد تغییر داد . بیشترین مجاهدین قناعت نمودند که پیروزی نظامی در کوتاه مدت فاقد دور نما است. گروه های بیشتر و بیشتر مجاهدین به پروسۀ مصالحۀ ملی رئیس جمهور نجیب الله پیوستند. بعضی از آنها سلاحهای شان را بر زمین گذاشتند و یا در کنار دولت قرار گرفتند. در نتیجه کاهش شدید انگیزه های جنگ بعد از حملۀ جلال آباد فعالیت های نظامی مجاهدین بطور چشم گیری تقلیل یافت . بعضی از آنها مانند دو تنظیم طرفدار شاه، صبغت الله مجددی و پیر گیلانی مواضع انعطاف پذیری برگزیدند.

پس از خروج قوتهای اتحاد شوروی با وجودیکه قوتهای مجاهدین برای تسخیر جلال آباد جنگیدند اما نتیجه گیری شان چنین بود که در یک شکست افتضاح آمیز در جریان محاصره، دانستند که مجاهدین بمثابۀ یک نیروی چریکی شانس آنرا ندارند که حتی به کمک نظامی خارجی در برابر قوتهای منظم به پیروزی دست یابند

: موخذ ومنابع

V. Literature

الف : مصاحبه ها و اخذ یاد داشت ها از فرمانده هان شرکت کنند ه در جنگ جلال اباد

1./ AITKINS, Matthieu, “State of the Taliban and the Future of Afghanistan”, Secret/Re. ISAF, 9 March 2013 www.gq.com/news-politics/big/nato-report-state-of-taliban-afghanistan

BLURNS, John F., “Afghanistan Says Airport is Reopened as Battle for Eastern City Continues, New York Times, 1989. március 11,www.newyorktimes.com/1989/03/11/world/afghanistan-says-airport-is-reopened-as-battle-for-eastern-city-continues.html?pagewanted.28src

CORDESMAN, Anthony H., “Afghanistan from 2012-2014. Is A Successful Transition Possible?”, Centre for Strategic And International Studies (CSIS), 1, 19 June 2012

1./ DORRONSORO, Gilles, Revolution Unending: Afghanistan from 1979 to the Present, (2005), London: Hurst, 413 o.

2./ GUTMAN, Roy, (2008): How We Missed the Story: Osama Bin Laden, the Taliban and the Hijacking of Afghanistan, United States Institute of Peace Press, Washington, 304. o.

3./ KAPLAN, Robert D. (2001), Soldiers of God: with Islamic Warriors in Afghanistan and Pakistan, Vintage Departures, New York, 347 o.

4./ MARSHALL, Alex (2006): Phased Withdrawal, Conflict Resolution and State Reconstruction, Conflict Research Studies Centre, p.3.http://www.defac.ac.uk/colleges/csrc/document-listings/ca/06%2829%29AM.pdf

5./ PHILLIPS, Jones, “Winning the Endgame in Afghanistan”, Heritage Foundation, May 18, 1992, www.greenleft.org/au/nede/23708

6./ REBELS WITHOUT A CASE,

www.pbs.org-newshour-bb-asia-july-dec89/afghanistan_08_29.html

7./ RIEDEL, Bruce, “Comparing the U.S. and Soviet experiences in Afghanistan” CTC Sentinel 2, no. 5 (May 2009)

8./ RUBIN, Barnett R., The Fragmentation of Afghanistan, (2002), New Haven: Yale University Press, 198 o.

9./ STENERSEN, Anne (February 12, 2012), “Mujahidin vs. Communists: Revisiting the battles of Jalalabad and Khost”, Paper Presented at COIN in Afghanistan: From the Mughals to the Americans. CSCW Conference, Oslo, Norway, 12-13 February 2012, Security and Defense Policy Research Program, the Royal Norvegian Ministry of Defense, www.prio.no/utility/Download.ashx?x=228

10./ SZAID Abdul Qudúsz, Szaíd, Dzsenrál, Dzsanghá-je Kabul (1371-1375 khursídí,) Kabuli csaták (1992-96), dari nyelven, Aida Orient Books, Bochum, 2009, 391 o. ISBN 978-3-9812502-6-8

11./ THE DEMISE OF THE SOVIET UNION, (1991), Library of Congress, Country Studies

12./ YOUSAF, Mohammed and ADKIN, Mark, (1992) The Bear Trap: Afghanistan’s Untold Story, Barnsley: Leo Cooper, 243 o.

ختم ماه می 2014